و برادر عادیان را به یاد آور، آنگاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد -در حالى که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشداردهندگانى گذشته بودند- که: «جز خدا را مپرستید؛ واقعاً من بر شما از عذاب روزى هولناک مى‌ترسم.» (21) گفتند: «آیا آمده‌اى که ما را از خدایانمان برگردانى؟ پس اگر راست مى‌گویى، آنچه به ما وعده مى‌دهى [بر سرمان‌] بیاور.» (22) گفت: «آگاهى فقط نزد خداست، و آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما مى‌رسانم، ولى من شما را گروهى مى‌بینم که در جهل اصرار مى‌ورزید.» (23) پس چون آن [عذاب‌] را [به صورت‌] ابرى روى‌آورنده به سوى وادیهاى خود دیدند، گفتند: «این ابرى است که بارش‌دهنده ماست.» [هود گفت: «نه،] بلکه همان چیزى است که به شتاب خواستارش بودید: بادى است که در آن عذابى پر درد [نهفته‌] است. (24) همه چیز را به دستور پروردگارش بنیان‌کن مى‌کند.» پس چنان شدند که جز سراهایشان دیده نمى‌شد. این چنین گروه بدکاران را سزا مى‌دهیم. (25) و به راستى در چیزهایى به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها [چنان‌] امکاناتى نداده‌ایم، و براى آنان گوش و دیده‌ها و دلهایى [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم، و[لى‌] چون به نشانه‌هاى خدا انکار ورزیدند [نه‌] گوششان و نه دیدگانشان و نه دلهایشان، به هیچ وجه به دردشان نخورد، و آنچه ریشخندش مى‌کردند به سرشان آمد. (26) و بى‌گمان، همه شهرهاى پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه‌گون بیان داشته‌ایم، امید که آنان بازگردند. (27) پس چرا آن کسانى را که غیر از خدا، به منزله معبودانى، براى تقرّب [به خدا] اختیار کرده بودند، آنان را یارى نکردند بلکه از دستشان دادند؟ و این بود دروغ آنان و آنچه برمى‌بافتند. (28)